

با پیامبر

علی رغم انصاف، بی طرفی و حق جوئی
دکتر بنت الشاطی
در بررسی حوادث تاریخی
در فصل چهاردهم یادی از لیله المبیّت و
فداکاری ارجمند و بزرگ علی بن ابی طالب
(ع) نمی‌کند. خوشبختانه مترجم محترم
در بخش تعلیقات کتاب نقایص
تحقیق دکتر بنت الشاطی را
تکمیل می‌کند و در آن جابه جریان مزبور
اشاره می‌کند

● محمد علی سلطانی

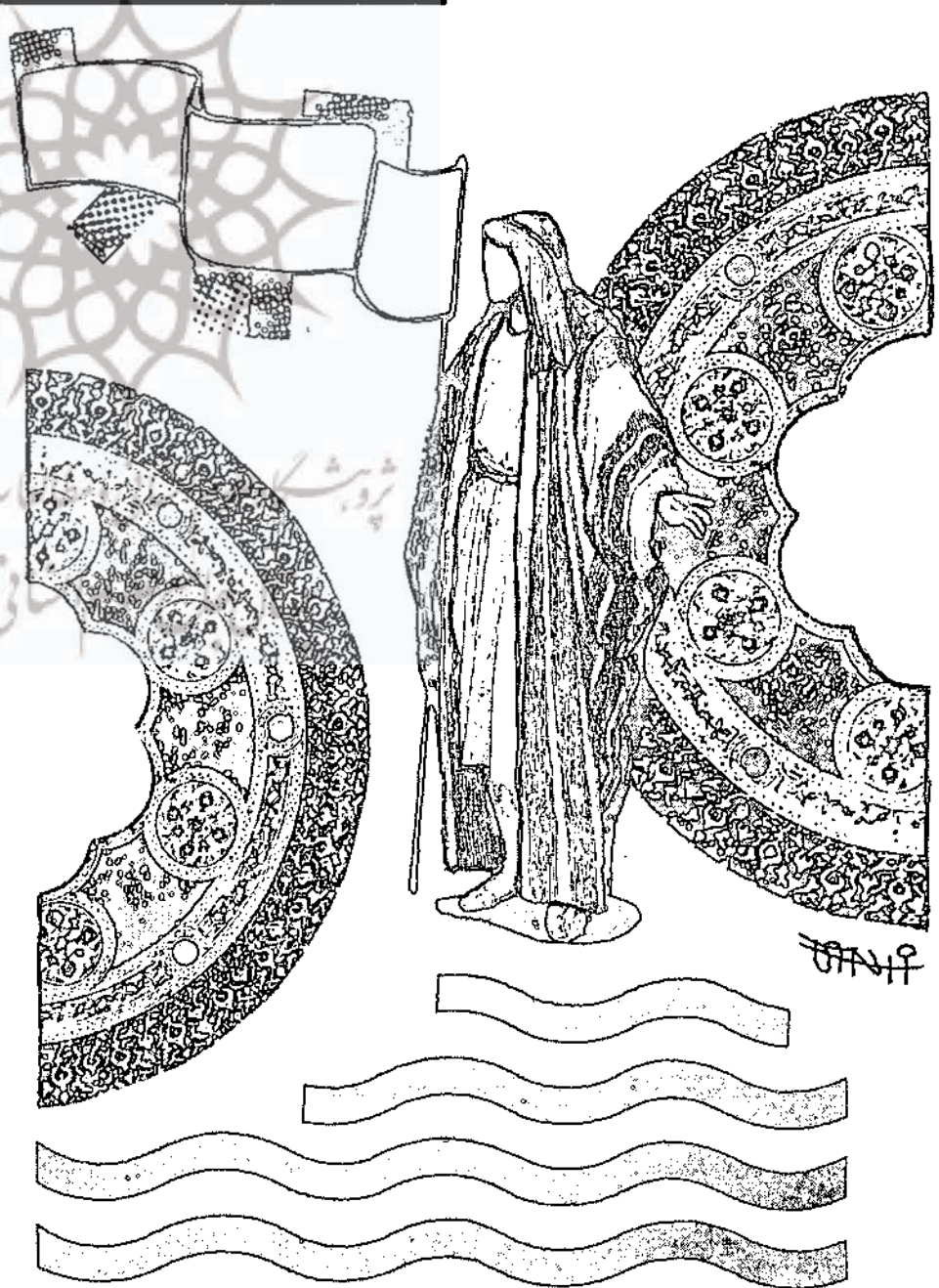
با پیامبر

دکتر عایشه بنت الشاطی
ترجمه دکتر سید محمدراد منشی

- با پیامبر
- دکتر عایشه بنت الشاطی
- ترجمه دکتر سید محمد رادمنش
- جامی
- چاپ اول، ۱۳۷۷
- وزیری، ۳۸۲ ص
- بهای: ۱۳۰۰۰ ریال

بانو دکتر بنت الشاطی که با آثار ارزشمندی درباره حضرت زینب (س) به نام زینب بانوی قهرمان کربلا و ملایم پیامبر (ص) در ایران شناخته شده است در بین خوانندگان نواندیش عرب با کتاب‌های بیشتری چون نام‌النبی (ص)، بنت‌النبی، القرآن و قضایا الانسان، سکنه بنت حسین بن علی، الشخصیه الاسلامیه و... شناخته می‌شود. این نویسنده پرکار قبل از درگذشت بیش از چهل عنوان کتاب از خود به یادگار گذاشت. یکی از این کتاب‌ها درباره پیامبر اکرم (ص) است که با عنوان با پیامبر در سال گذشته در اختیار فارسی زبانان قرار گرفت. نویسنده در این کتاب تلاش کرده است طی بیست و سه فصل، نمایی کلی از زندگی پیامبر اکرم و حوادث مرتبط با تاریخ صدر اسلام ارائه کند. بنت الشاطی در فصل اول کتاب خود، شرایط فرهنگی، طرز تفکر حاکم بر جزیره العرب و به ویژه مکه، انتظار حاکم بر اندیشه افراد در خصوص انتظار منجی و جای روح دینی در بین مردمان را نشان می‌دهد و با بهره‌گیری از اشعار عرب جاهلی آشنایی کلی مردم با دین و خدا را می‌نماید. در فصل دوم کتاب، به چگونگی جریان نذر عبدالمطلب برای قربانی عبدالله پسر بزرگوار پیامبر اکرم و موضوع تبدیل آن به صد شتر، خاطره نیک این حادثه در ذهن مردم و به ویژه دختران اشراف و تمایل آنان به ازدواج با عبدالله، ازدواج عبدالله با آمنه بنت وهب و چگونگی تولد حضرت پیامبر (ص) می‌پردازد. دکتر بنت الشاطی در این فصل ابزار حمله مرغان ابابیل موضوع سوره فیل را میکروبی‌های هلاک‌کننده معرفی کرده است. این قبیل تفسیرها که از آن به تفسیر علمی یاد می‌شود در بین مفسران جای گفتگو و بحث دارد.

در فصل سوم کتاب بطور گزیده به زندگی پیامبر اکرم (ص) تا قبل از بعثت می‌پردازد و در آن از دوران کودکی، ازدواج، فرزندان شدن، شرکت در بنای کعبه و روی آوردن به غار حرا به عنوان پناه گاهی برای عبادت



سخن می گوید. در فصل های بعدی کتاب، در پایگاه بحث با پیامبر اکرم (ص) همراهی می کند و موضوعاتی از قبیل نزول قرآن، هجرت مسلمانان به حبشه، محاصره در شعب ابی طالب که از آن به سال حزن و اندوه یاد می شود و موضوع معراج را بررسی می کند. دکتر بنت الشاطی در بررسی حوادث یاد شده نقشی را به ورقه بن نوفل می دهد که شاید تا این حد قابل قبول نباشد. علی رغم آگاهی های کلی مصلحان از تاریخ ادیان نسبت به املین پیامبری دیگر نمی توان پیشگویی های ریز آنان درباره پیامبر اکرم (ص) را بدون تردید پذیرفت. نویسنده در این فصول از جوانمردی های ابوطالب در دفاع از پیامبر اکرم (ص) و نیز نقش ایمان حمزه بن عبدالمطلب در تقویت پیامبر اکرم (ص) را یاد می کند همچنین از مخالفت های ابوجهل و نیز عموی دیگر پیامبر ابولهب و زن وی سخن می گوید. از تلاشی که ساحران و غیب گویان در راه شکست پیامبر اکرم (ص) بجای آوردند بحث می کند و شکست آنان را می نمایاند. داستان هجرت به حبشه ورنجی که مومنان در این راه متحمل شدند و فعالیت های سیاسی و دیپلماتیک ناموفقی که سران قریش برای بازگرداندن مومنان انجام دادند فصل هشتم کتاب را تشکیل می دهد.

فصل نهم، شرح ماجرای تصمیم قریشیان برای محاصره اقتصادی پیامبر اکرم (ص) و یارانش می باشد سالهای پر اندوه و رنج یاری که با مرگ خدیجه و ابوطالب (ع) دو یاور بزرگ پیامبر اکرم غم و درد او دوچندان شد.

فصل دهم کتاب، به جریان معراج اختصاص دارد. در این فصل ضمن بیان گنراهی این حادثه، تأثیر آن را در جامعه کوچک مکه بیان می دارد و از نابلوری پاره ای از تازه مسلمانان و پیدایش و تردید در آنان سخن می گوید.

در فصل یازدهم، کتاب یادی از سفر غمبار پیامبر (ص) به طائف و برخورد نامناسب و زشت طائفیان با آن حضرت می کند.

فصل دوازدهم کتاب که عنوان «نجران ... و مدینه» دارد به توطئه های یهودیان علیه پیامبر اکرم (ص) در شکل های مختلف آن می پردازد. برخوردی که یهودیان کینه توز با مسیحیان نجران داشتند و از آن به جریان «صحاب اخنود» یاد می شود بطور تفصیل در این فصل توضیح داده شده است. همکاری یهودیان مدینه با سران قریش در آزار مسلمانان و سنگ اندازی در راه گسترش اسلام در مکه و آمادگی برای مقابله با گسترش دین جدید در مدینه و نیز در بین یهودیان منطقه بحث های جدی این فصل است. ملاقات پیامبر اکرم (ص) با نمایندگان قبایل در محل عقبه و دعوت آنان به اسلام و ایمان آوردن خزرجی ها بیعت عقبه و آماده شدن مقدمات هجرت بزرگ از بحث های فصل سیزدهم کتاب است. در این فصل نویسنده افزون بر مباحث فوق جریان درگیری های ملوم دو قبیله لوس و خزرج را مطرح می کند و رنجی را که مدینه از این جنگ ها متحمل می شد یانآور می گردد. مهاجرت مسلمانان به مدینه و استقبال مردم مدینه از آنان و وحشت فزوانی در دل یهودیان مدینه و همزمان در اندیشه سران قریش ایجاد می کند و قریش تصمیم بر جلوگیری از هجرت پیامبر اکرم (ص) به مدینه می گیرد. لخمه این بحث را نویسنده در فصل چهاردهم کتاب پی گیری می کند. علی رغم انصاف، بی طرفی و حق جویی دکتر بنت الشاطی در بررسی حوادث تاریخی در این فصل یادی از ليله المیبت و فداکاری ارجمند و بزرگ علی بن ابی طالب (ع) نمی کند. خوشبختانه مترجم محترم در بخش تعلیقات کتاب نقایص تحقیق دکتر بنت الشاطی را تکمیل می کند و در آن جا به جریان مزبور اشاره می کند.

فصل پانزدهم کتاب در واقع مقدمه ای برای مباحث فصل های بعدی کتاب است. در این فصل به «وضع و جایگاه مسلمانان در میان مبارزه و ایام مختلف آن» همچنین، بمحادثاتی که تا قبل

بسیار مناسب بود مترجم محترم ترجمه آیات قرآنی را از یک ترجمه معین مناسب و قابل اعتماد می آورد چون به نظر می رسد در مواردی ترجمه از سلاست برخوردار نیست و در مواردی در صحت ترجمه تردید وجود دارد.

یکی از ویژگی های عمده کتاب آن است که دکتر بنت الشاطی تلاش کرده است در بررسی زندگی پیامبر اکرم و حوادث بوجود آمده از گزارش های قرآنی به عنوان معتبرترین منبع غافل نماند. این توجه به قرآن موجب شده است کتاب وی خواندنی تر و برای فهم آیات قرآنی سودمندتر باشد.

از آغاز جنگ بدر در مدینه اتفاق افتاده می پردازد. فصل شانزدهم جریان بدر را مورد پژوهش قرار می دهد. نویسنده در چرایی پیروزی مسلمانان بر قریشیان در عین پایین بودن نفرات مسلمانان توجیه و تفسیری زیبا ارائه می دهد و می نویسد: «هر قانون و منطق زندگی هیچ گاه عجب و بعید نبوده که عده اندکی مومن بر تعداد زیادی کافر غالب و پیروز گردند؛ اما اسلام بی شبهه خود که در باب آزادی عقیده و نبوهن اجبار واکراه در دین، بصورت اصلی از اصول دعوتش صادر کرد، از قریش و موالی ساکن در مکه و از پیشگامان انصار، نخستین ارتش جمعیت خدا پرستان را از افراد صافی و مخلص پرگزید؛ از افرادی که در فکر آن نبودند تا سود و یا زنی را در این راه حساب کنند بلکه با اراده پاک و خاصستان از اعتقادی محکم و پلر جا و جدلی آزاد به دعوت اسلام بلسخ مثبت دلند، لذا مردمی بودند که در این راه از سرزنش خرد گیران هر کسی به خود راه دهند یا در طریقی که ایمان یافته اند که راه حق و از جنب پروردگار شدن بود مرگ را بحساب آورند ایمان صادقشان آنان را به قوت و نیروی بی همتدی مجهز کرده بود که اثرش تا قلب میدان جنگ با کافر قریش نمود یافته بود» (ص ۲۰۳)

فصل هفدهم کتاب، به درس هایی که از جریان جنگ بدر می توان گرفت، اختصاص دارد. نویسنده در این فصل کوشش می کند با بررسی جنگ احد که چندی پس از جنگ بدر به وقوع پیوست این مدعا را که مسلمانان از حلاقت بدر درس درستی نگرفتند مورد بررسی قرار دهد و آن را اثبات کند. به عقیده وی شکست مسلمانان در جنگ احد ناشی از کم توجهی به علل و عوامل موفقیت در جنگ بدر بود. وی از جنگ لفظی که پس از آن دو جنگ در بین شاعران دو طرف پراهن افتاد یاد کرده و انعکاس آن نور را در روحیه افراد مورد بررسی قرار می دهد. از فصل هجدهم به بعد کتاب به بررسی اسلام در سه جبهه: یهودیان

که از قلب مدینه تاخیر گسترده بود قریشیان و منافقان می پردازد. فصل هیجدهم مختص به بررسی درگیری اسلام با یهودیان است. خیانت یهودیان داخل مدینه از قبیل فتنه بنی قینقاع، توطئه بنی نضیر برای قتل پیامبر اکرم (ص)؛ توطئه و دسیسه آنان در خارج از شهر مدینه از قبیل جریان بنی قریظه و حادثه خیبر در این فصل تحلیل شده است.

فصل نوزدهم به بررسی حوادث و چگونگی مقابله مسلمانان با قریشیان از جریان صلح حدیبیه تا فتح مکه و شکست نهایی قریشیان می پردازد. چگونگی پیدایش زمینه نوشتن صلح نامه بین مسلمانان و قریشیان، برخورد تند پارای از مسلمانان با موضوع صلح و پاسخ پیامبر اکرم (ص) به آنان، دست یابی مسلمانان به فرصتی برای تبلیغ و گسترش اسلام در سایه صلح حدیبیه، چگونگی شکست پیمان صلح حدیبیه از سوی قریشیان، پناه جویی ابوسفیان به علی بن ابی طالب (ع) و حضرت زهرا (س) برای طلب عفو پیامبر اکرم (ص)، فتح مکه و حوادث چندی دیگر از مباحث مهم این فصل است.

فصل بیستم کتاب به بررسی جریان نفاق و برخورد منافقان با روند ربه گسترش اسلام اختصاص دارد و با بهره گیری از آیات قرآنی و گزارش های تاریخی چگونگی تلاش منافقان و شیوه افشای توطئه آنان مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل بیست و یکم کتاب به جریان مباحله و چگونگی برخورد مسیحیان نجران با این جریان و نگارش پیمان صلح با آنان می پردازد. فصل بیست و دوم حادثه حجه الوداع، انتخاب علی بن ابی طالب به عنوان خلیفه مسلمانان از سوی پیامبر اکرم (ص) و تجهیز سپاه اسامه برای مبارزه باجبهه شامیان از حوادث مورد بحث این فصل می باشد.

آخرین فصل کتاب به جریان در گذشت پیامبر اکرم (ص) می پردازد و بخشی از توصیه های آن حضرت را می آورد. مترجم محترم کتاب در پایان آن چندین تعلیقه برای توضیح و گله تصحیح مطالب متن کتاب آورده است. در تعلیقه اول چگونگی هجرت و نام مهاجران به حبشه را می آورد در تعلیقه های بعدی به ترتیب موضوع: معراج پیامبر (ص)، نخستین بیعت عقبه، دومین بیعت عقبه، آغاز هجرت، یسئقروالان مهاجرت به مدینه، ليله المیبت، ردیای رسول در غار برونایهای سال اول هجرت، حوادث سال دوم، غزوه بدرلول، غزوه بدر کبری، غزوه بنی قینقاع، رویدادهای سال سوم هجرت، چهارم و پنجم هجرت، جنگ احزاب، غزوه بنی قریظه، حوادث سال ششم از قبیل غزوه بنی مصطلق، حدیبیه و بیعت رضوان، دعوت از زمامداران محجور برای اسلام آوردن، حوادث سال هفتم از قبیل غزوه خیبر و عمره قضا، حوادث سال هشتم مثل غزوه مونه، فتح مکه، غزوه حنین، غزوه طائف و حوادث سال نهم از قبیل جریان تبوک و مأموریت خالد بن ولید و چند حلاقت جزئی دیگر را یاد می کند. یکی از ویژگی های عمده کتاب آن است که دکتر بنت الشاطی تلاش کرده است در بررسی زندگی پیامبر اکرم و حوادث بوجود آمده از گزارش های قرآن به عنوان معتبرترین منبع غافل نماند. این توجه به قرآن موجب شده است کتاب وی خواندنی تر و برای فهم آیات قرآنی سودمندتر باشد. قرآن در بیان حوادث تاریخی از روش تفصیلی بهره نمی گیرد و همواره بیان کنرا و گزیده گویی را پیشه می کند از این روی همچنان که حوادث تاریخی صبر اسلام به کمک آیات قرآنی قابل فهم است، آیات قرآنی نیز با مطالعه تطبیقی با گزارش های تاریخی قابل درک است. از سوی دیگر دکتر بنت الشاطی نمی خواهد تنها یک گزارشگر

حوادث تاریخی صدر اسلام باشد بلکه درصد تحلیل و بهره‌گیری معرفتی از حوادث یادشده است و به تعبیری می‌خواهد تاریخ صدر اسلام را برای خوانندگان کتابش زنده و ملموس کند.

مترجم محترم کتاب در ترجمه آن تلاش کرده است به متن متمهد بماند و همین تمهد گاه بیان وی را از شیوه استوار نویسی و زبان معیار دور کرده است و گاه کاملاً رنگ و بوی ترجمه از آن پیداست. نمود ترجمه در ترجمه شعرهای عربی بسیار پررنگتر است. اگر مترجم محترم ترجمه اشعار را در ذیل صفحه‌ها و بطور مجزا می‌آورد شاید تأثیر رنگ ترجمه آن‌ها در متن کمتری شد و از ایجاد وقفه در خواندن متن می‌کاست.

بسیار مناسب بود مترجم محترم ترجمه آیات قرآنی را از یک ترجمه معین و قابل اعتماد می‌آورد چون به نظر می‌رسد در مواردی ترجمه از سلاست برخوردار نیست و در مواردی در صحت ترجمه تردید وجود دارد، به عنوان نمونه در صفحه ۵۸ ترجمه این بخش آیه ۳۲ سوره زخرف «... ورفعنا بعضهم فوق بعض درجات لیتخذ بعضهم بعضا سخریا...» به شکل زیر جای تردید دارد: «... و بعضی را بر بعضی دیگر برتری دادیم تا بایکدیگر همکاری کنند...»

در ترجمه اشعار گاه مواردی قابل تردید وجود دارد. ترجمه اشعار عربی سختی و صعوبت خاص خود را دارد و کمتر قابل برگردان دقیق به زبان دیگر است. از جمله موارد قابل تامل در ترجمه اشعار موجود در متن کتاب «شعر ذیل است:

« نضع الأسياف في أكتافكم

حيث نهوى غللا بعد نهيل

« انذولون على أعقابكم

هريا في الشعب أمثال الرسل

مترجم محترم این دو بیت را به شرح زیر ترجمه کرده است: «ما شمشیرهایمان را در پهلوها و سینه‌های شما فرود می‌آوریم»

«هنگامی که شما به همان اخلاق و افکار پست دوران جاهلیت خود برگشتید و در آن دره مانند حیوان‌های افسار گسیخته پا به فرار گذاشتید...»

به نظر نمی‌رسد که شاعر در صدد بیان افکار و اخلاق پست مخاطب خود باشد، بلکه وی از فرار و ترک میدان جنگ سخن می‌گوید بهتر است چنین ترجمه شود:

«ما در پی بهانه‌های ما پس از آرامش کوتاه شمشیرها را در سینه‌هایتان فرو کنیم. آن‌گاه چون حیوانات افسار گسیخته در درون دره‌ها پشت به جنگ کرده فرار خواهید کرد.»

هیچ‌کدام از این ایرادهای جزئی ارزش کار مترجم محترم را پایین نمی‌آورد و وجود مواردی قابل تامل در هر کتابی که از زبانی به زبان دیگر منتقل شود امری طبیعی است به ویژه کتابهایی که در آن از اشعار و سروده‌ها بهره گرفته شود زیرا شاعران در بسیاری موارد به طور اشاره و گلزا سخن می‌گویند و حتی در فهم مراد آنان گاه باید شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی سروده را در نظر گرفت تا به مراد شاعر نزدیک شد. به مترجم محترم باید دست مرزاد گفت و توفیق وی را در ترجمه کتب دیگر به زبان فارسی آرزومند بود.

مروری بر کتاب

«زن»

• سید ضیاء الدین مرتضوی

■ زن

■ مهدی مهریزی

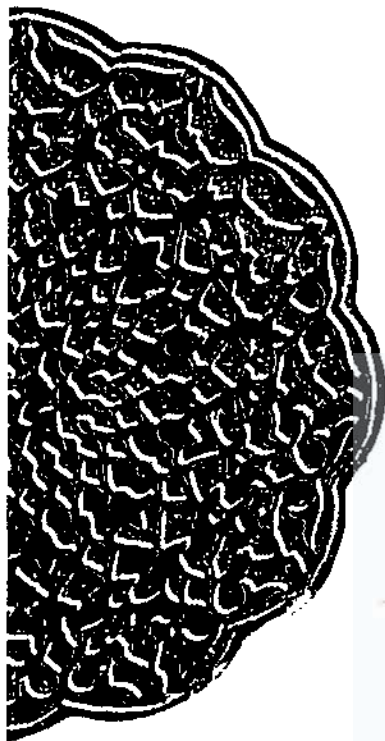
■ خرم

■ ۲۴۲ ص

■ چاپ اول، ۱۳۷۷

■ رقعی (شمیزی)

■ بها: ۶۵۰۰ ریال



آوردن آثار و لوازم، احکام و قوانین حاکم بر هر یک کاری سهل نیست و زمینه‌ای است سخت برای لغزیدن و به افراط رفتن یا در تقریط گرفتار آمدن.

برخی ساحت انسانی را، تمام ساحت‌های زندگی زن و مرد پنداشته و هر گونه تفاوت را منکرند و اگر بتوانند می‌خواهند با طبیعت نیز ستیزه کنند تا هر چه رنگ تفاوت دارد بزدایند. و گروهی دیگر ساحت جنسیت را تمام ساحت‌های زندگی انسان می‌انگارند هر چند به لفظ انکار می‌کنند. از این‌رو دایره کمالات مرزبندی می‌شود و اثرپذیری و اثرگذاری منفی میان این دو جنس چنان لوج می‌گیرد که یکی همواره عامل مفاسد و شرور می‌گردد و دیگری برحذر از حضور و موجودیت او.

برخی در دایره‌ای « بسته » با تکیه بر بخشی از متون دینی و ظواهر ادله و با انسان‌شناسی ناقص و ناپخته خویش، به زنان و مسایل آنان می‌نگرند و بسیاری محدودیت‌ها و قید و بندها را در ذهن و اندیشه و نیز در دستورالعمل‌های خویش پدید می‌آورند و برخی «رها» از برخی چارچوب‌ها و ملاک‌های روشن دینی و بی‌توجه یا کم‌توجه به موازین شرعی به تجزیه و تحلیل مسایل زنان می‌نشینند و بیشترین تلاش خود را نه در فهم جامع و صحیح مسایل آنان، بلکه در تطبیق نصوص دینی و متون شرعی با اندیشه‌ها و ذوقیاتی که به آن خو گرفته یا به کام ذوقشان خوش نشسته، به کار می‌ینند. این است که در بررسی و شناخت صحیح زن و مسایل او به عنوان بخشی از دستگامی که برای هدایت انسان آمده باید

تصویری که اسلام بر پایه متون اصیل از زن نشان می‌دهد این است که زن انسان است اما مرد نیست؛ چنان‌که مرد نیز انسان است ولی زن نیست. ساحت‌های زندگی نیز به دو بخش انسانی و جنسیتی تقسیم می‌شود. ساحت انسانی، زن و مرد نمی‌شناسد جنسیت نمی‌پذیرد و از وصف مرد بودن و زن بودن به دور است. چنان‌که فرمود: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرکم عند الله اتقیکم» (حجرات/ ۱۳). پس در بعد انسان‌شناسی باصل و جدت نوع میان زن و مرد، به عنوان مبنای‌ترین و فراگیرترین اصل در ارزش‌گذاری جنس زن و مرد به شمار می‌رود؛ حقیقتی که فراتر از ملاک «جنسیت» است. در آن دسته از خطاب‌های قرآن و رهنمودهای دینی که مخاطب آن، هویت انسانی می‌باشد، مثل اصل ایمان به توحید، نبوت، معاد و اصولاً مقوله اعتقادات، از آنجا که مستقیماً با «خویشستن» و «نفس» آدمی مرتبط است و به آن «گره» می‌خورد، تفاوت بی‌معناست و اگر پذیرفتیم عمده‌ترین و اصلی‌ترین ارزش‌های دینی، در بخش اعتقادات شکل می‌گیرند آن‌ها را خواهیم کرد که در نگرش کلی به مسایل زنان، در بعد انسان‌شناسی و در مبنای‌ترین ارزش‌های اعتقادات و به عبارت دیگر در امور انسانی، « تبعیض جنسی » راه نخواهد داشت. اما در ساحت جنسیتی زندگی، زن باید زن باشد و کار زنانه کند و به لوازم و آثار آن پایبند گردد هم چنان‌که مرد باید در این عرصه مرد باشد و کار مردانه کند. شناخت و تفکیک این دو میدان و به دست